فعالان سیاسی در یادداشت‌هایی به «ایران» با محکومیت تجاوز به مراکز غیرنظامی مطرح کردند

حمله به زیرساخت؛ تلافی شکست راهبردی

گزارش

حملات تجاوزکارانه آمریکا به زیرساخت‌های غیرنظامی از بیمارستانی در اهواز تا راه‌آهن و پل‌هایی در هرمزگان و تا برج مراقبت دریایی چابهار که کارویژه‌ای جز جست‌وجو ونجات صیادان و امنیت تجارت دریایی نداشت یک بار دیگر تصویری عریان از سبعیت آمریکایی را به نمایش گذاشت. این حملات اگر چه با هدف جبران شکست آمریکا در عرصه نظامی انجام شد، اما در واقع نتیجه‌ای جز تقویت هم‌صدایی بیش از پیش طیف‌های مختلف سیاسی برای دفاع از امنیت ایران و منافع ملی نداشت. چه اینکه، هدف قرار دادن زیرساخت‌های عمومی و مراکز حیاتی یک کشور، نه اقدامی علیه یک دولت، بلکه تعرضی به زندگی، امنیت و منافع یک ملت است و هرگاه پای تمامیت ارضی و امنیت ایران در میان باشد، اختلاف‌نظرهای سیاسی جای خود را به هم‌صدایی می دهد.

از نگاه بسیاری از ناظران، دشمن با تصور آنکه حمله به زیرساخت‌ها می‌تواند با مختل کردن روند زندگی مردم شکاف‌های داخلی را تعمیق کند و فشار افکار عمومی را متوجه نظام سازد، دچار خطای محاسباتی شده است؛ چرا که تجربه‌های پیشین نیز نشان داده تهدیدهای خارجی بیش از آنکه موجب واگرایی شود، زمینه همگرایی و انسجام ملی را فراهم کرده است. به باور سیاست ورزان از نحله‌های مختلف، دفاع از امنیت ملی صرفاً یک انتخاب سیاسی نیست، بلکه حقی قانونی و مسئولیتی حاکمیتی است. به همین دلیل پیام مشترک نخبگان سیاست در ایران این است که دشمن از حمله به زیرساخت‌های ایران نه تنها به اهداف مورد نظر خود نخواهد رسید، بلکه با تقویت همبستگی داخلی و نتیجه آن یعنی حمایت از حق دفاع مشروع، هزینه‌های سیاسی و امنیتی بیشتری را متحمل خواهد شد. راهبرد فشار بر ملت ایران نه تنها موجب تضعیف انسجام ملی نمی‌شود، بلکه اراده مشترک جریان‌های مختلف سیاسی برای صیانت از امنیت، استقلال و منافع ملی را تقویت می‌کند و این همان واقعیتی است که دشمن در محاسبات خود بار دیگر از درک آن ناتوان مانده است.

بازدارندگی و ضرورت شناخت واقعی دشمن

عباس سلیمی نمین
فعال سیاسی اصولگرا

حمله به زیرساخت‌های کشور، اگرچه با ادعای مقابله با حاکمیت انجام می‌شود، اما در عمل مردم را هدف قرار می‌دهد. تخریب زیرساخت‌ها مستقیماً آرامش، امنیت و آسایش شهروندان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و فشار اصلی آن متوجه مردم است و باید پاسخ محکمی به آن داده شود. با این حال، نکته مهم‌تر آن است که این تجربه نیز باید به شناخت عمیق‌تر آمریکا منجر شود. ما به توافقی دست یافته بودیم که بر اساس آن، از گسترش تنش جلوگیری می‌شد و منافع مشخصی برای ایران در نظر گرفته شده بود. حتی بسیاری از کارشناسان غربی نیز معتقد بودند این توافق بیش از آنکه به سود آمریکا باشد، به نفع ایران است. البته فارغ از دیدگاه کارشناسان غربی، در داخل کشور نیز اکثریت کارشناسان بر این باور بودند که این توافق می‌تواند تا حد زیادی منافع ایران را تضمین کند. حتی اگر فرض کنیم نظر اقلیت کارشناسان درست بوده است، باز هم اقدام ترامپ در خروج از توافق نشان می‌دهد این توافق به سود آمریکا نبوده است. اگر دستاورد هیأت مذاکره‌کننده ایران کاملاً در راستای منافع آمریکا بود، دلیلی برای نقض آن وجود نداشت. از همین رو ادعای برخی جریان‌های سیاسی مبنی بر اینکه این توافق «خیانت» بوده، با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد. اگر کشوری امتیاز کامل گرفته باشد، توافق را نقض نمی‌کند، همان‌گونه که در تاریخ نیز قدرت‌ها معاهداتی را که به نفعشان بوده، کنار نگذاشته‌اند. بنابراین خروج آمریکا از توافق نشان می‌دهد دیپلماسی ایران توانسته بود دستاوردی به دست آورد که در مسیر اهداف جنگ‌طلبانه آمریکا قرار نداشت. به همین دلیل آنان بار دیگر مسیر فشار و تقابل را در پیش گرفتند؛ یعنی تلاشی برای تضعیف مواضع ایران، ایجاد فشار و کسب امتیازات بیشتر در مذاکرات احتمالی آینده. بنابراین امروز بیش از هر زمان دیگری باید مراقب باشیم نزاع‌های کاذب داخلی شکل نگیرد. فرقی نمی‌کند این اختلافات با انگیزه انتخابات، حذف رقیب یا هر هدف سیاسی دیگری ایجاد شود؛ نتیجه آن، تحمیل خسارت به کشور خواهد بود. پس هزینه‌هایی که ملت ایران پرداخت کرده است، باید به افزایش شناخت عمومی از رفتار آمریکا منجر شود. نباید تصور کنیم همه، آمریکا را به‌درستی می‌شناسند. هنوز بخشی از افکارعمومی کشور و حتی افکارعمومی جهان شناخت دقیقی از سیاست‌های آمریکا ندارند. اگر دشمن را به‌درستی بشناسیم، خواهیم دانست که به همراهی همه ظرفیت‌های داخلی و همچنین افکارعمومی جهان نیازمندیم. آمریکا در ساختار نظام بین‌الملل نفوذ گسترده‌ای دارد، از تجربه بالایی در دیپلماسی، اعمال فشار بر ملت‌ها و جهت‌دهی به افکارعمومی برخوردار است؛ بنابراین مقابله مؤثر با چنین دشمنی بدون اقناع افکارعمومی امکان‌پذیر نیست. از همین رو انتظار می‌رود همه کسانی که دل در گرو ایران و منافع ملی دارند، اجازه ندهند اختلافات مصنوعی و دوقطبی‌های بی‌ثمر در کشور شکل بگیرد. باید از این فرصت برای افزایش آگاهی عمومی نسبت به رفتار آمریکا استفاده کرد، زیرا در مقابله با آمریکا و اسرائیل، همراهی افکارعمومی یک سرمایه راهبردی است و مذاکره نیز می‌تواند در این مسیر نقش مؤثری ایفا کند. در شرایط کنونی باید بر تعهداتی که آمریکا آنها را نقض کرده است تمرکز کرد و با بهره‌گیری از ظرفیت افکارعمومی هزینه رفتارهای این کشور را افزایش داد. در بسیاری از موارد فشار افکارعمومی می‌تواند اثربخشی بیشتری از فشار نظامی داشته باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه دشمن در حملات اخیر بیش از گذشته زیرساخت‌ها را هدف قرار داده، ضروری است هر گونه تجاوز با پاسخی قاطع و بازدارنده مواجه شود تا هزینه اقدامات خصمانه برای طرف مقابل افزایش یابد، اما این به معنای کنار گذاشتن دیپلماسی نیست. بازدارندگی و دیپلماسی دو مسیر مکمل هستند که باید به‌صورت همزمان دنبال شوند تا آمریکا ناگزیر شود خواسته‌های منطقی و معقول جمهوری اسلامی ایران را بپذیرد.

جنگ علیه مردم

غلامرضا ظریفیان
استاد سابق دانشگاه

یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مصونیت زیرساخت‌های غیرنظامی در زمان جنگ است. تأسیسات حیاتی مانند شبکه‌های آب و برق، نیروگاه‌ها، راه‌ها، پل‌ها، مراکز درمانی و بیمارستان‌ها، صرفاً مجموعه‌ای از سازه‌های فیزیکی نیستند، بلکه شریان‌های حیاتی زندگی مردم به شمار می‌روند. به همین دلیل نیز در اسناد و مقررات بین‌المللی، حمله به این زیرساخت‌ها نه‌تنها محکوم شده، بلکه در موارد متعدد به عنوان جنایت جنگی مورد توجه قرار گرفته است.

علت این حساسیت نیز روشن است؛ تخریب زیرساخت‌ها مستقیماً زندگی میلیون‌ها شهروند را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پیامدهای آن تنها به خسارت‌های مالی محدود نمی‌شود. قطع برق یک نیروگاه، تنها خاموش شدن چراغ خانه‌ها نیست؛ این اتفاق می‌تواند جان بیماری را که در اتاق عمل قلب تحت جراحی قرار دارد به خطر بیندازد، فعالیت بخش‌های مراقبت ویژه بیمارستان‌ها را مختل کند و خدمات حیاتی درمانی را از دسترس مردم خارج سازد. تخریب پل‌ها و راه‌های ارتباطی نیز تنها به معنای آسیب به یک مسیر عبور نیست، بلکه روند امدادرسانی، انتقال بیماران، تأمین کالاهای اساسی و حتی زندگی روزمره مردم را با بحران مواجه می‌کند.

از همین منظر، حمله به زیرساخت‌های عمومی را باید حمله به مردم دانست؛ زیرا اولین و اصلی‌ترین قربانیان آن، شهروندان عادی هستند؛ کسانی که نقش مستقیمی در میدان نبرد ندارند اما سنگین‌ترین هزینه‌های جنگ را می‌پردازند.

نکته تأمل‌برانگیز این است که در جهانی که همواره از کرامت انسان، حقوق بشر و ارزش‌های انسانی سخن گفته می‌شود، شاهد رفتارهایی هستیم که با همین اصول اعلامی در تعارض آشکار قرار دارد. کشورهایی که خود را مدافع دموکراسی، آزادی و حقوق بشر معرفی می‌کنند، در برابر حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی یا سکوت اختیار می‌کنند یا حتی به اشکال مختلف از عاملان آن حمایت سیاسی و رسانه‌ای به عمل می‌آورند. این دوگانگی، پرسش‌های جدی درباره صداقت نظام حقوق بشری موجود در افکار عمومی جهان ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، افکار عمومی جهانی بیش از گذشته قادر است میان شعار و واقعیت تمایز قائل شود. تجربه جنگ‌های اخیر نیز نشان داده است که تخریب زیرساخت‌های حیاتی، نه نشانه قدرت، بلکه نشانه ناتوانی در پایبندی به قواعد انسانی جنگ است. تصاویر و روایت‌های مربوط به حمله به پل‌ها، مراکز خدماتی و مناطق شهری، خاطرات تلخ برخی از خشن‌ترین جنگ‌های قرن بیستم را در ذهن افکار عمومی زنده می‌کند و این اقدامات را در معرض قضاوت وجدان جهانی قرار می‌دهد. نمونه‌های انسانی این حملات، بیش از هر استدلال حقوقی گویای عمق فاجعه است. وقتی در اثر هدف قرار گرفتن یک پل یا مسیر ارتباطی، خانواده‌ای داغدار می‌شود، مادری جان خود را از دست می‌دهد یا کودکی با جراحات سنگین مواجه می‌شود، دیگر نمی‌توان این اقدامات را صرفاً در چارچوب اهداف نظامی تحلیل کرد؛ اینها پیامدهای مستقیم جنگ علیه زندگی مردم است. در عین حال، این تجربه بار دیگر نشان داد که هرچند توان دفاعی و نظامی برای حفظ امنیت کشور ضرورتی انکارناپذیر است، اما به تنهایی کافی نیست. کشورهایی که از برتری فناوری و تسلیحاتی برخوردارند، قادرند خسارت‌های گسترده‌ای به زیرساخت‌ها وارد کنند. از این رو، علاوه بر تقویت توان دفاعی، باید همه ظرفیت‌های ملی، از انسجام اجتماعی و دیپلماسی فعال گرفته تا بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی و سیاسی در عرصه بین‌المللی، برای مقابله با چنین اقدامات غیرقانونی و غیرانسانی به کار گرفته شود.

آنچه در نهایت اهمیت دارد، حفظ جان مردم و صیانت از زیرساخت‌هایی است که استمرار زندگی جامعه به آنها وابسته است. حمله به این زیرساخت‌ها، صرف‌نظر از هر توجیه سیاسی یا نظامی، اقدامی علیه حقوق بنیادین انسان‌هاست و وجدان بیدار جهانی دیر یا زود درباره آن داوری خواهد کرد.

تجاوز به زیرساخت‌های ایران؛ خطای محاسباتی دشمن

بهنام سعیدی
عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی

اقدام آمریکا در هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، صرفاً یک عملیات نظامی نیست؛ بلکه تعرضی آشکار به همه حقوق بین‌الملل و اصول انسانی است و با هیچ‌یک از قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی قابل توجیه نیست. چنین رفتاری، نمونه‌ای روشن از سیاستی است که به جای احترام به حقوق ملت‌ها، بر منطق زور و فشار استوار شده و به همین دلیل شایسته محکومیت صریح از سوی همه دولت‌ها، مجامع بین‌المللی و افکار عمومی جهان است.

دولت آمریکا همواره تلاش کرده است خود را مدافع نظم بین‌المللی و حقوق بشر معرفی کند، اما حمله به زیرساخت‌های یک کشور مستقل، بیش از هر چیز تناقض میان ادعا و عملکرد این کشور را آشکار می‌کند. در برابر چنین تجاوزی، جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل، بویژه حق دفاع مشروع، این اختیار را دارد که از امنیت، حاکمیت و منافع ملی خود دفاع کند. دفاع مشروع حقی است که منشور ملل متحد برای دولت‌ها به رسمیت شناخته و هیچ کشوری نمی‌تواند انتظار داشته باشد که با نقض حاکمیت و امنیت یک ملت، از تبعات اقدامات خود مصون بماند. بدیهی است آمریکا، رژیم صهیونیستی و هر طرف دیگری که در پشتیبانی و تسهیل این تجاوز نقش داشته باشد، باید مسئولیت اقدامات خود را نیز بپذیرد.

از سوی دیگر، انتخاب زیرساخت‌های عمومی به عنوان هدف حمله، بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، بیانگر تغییر راهبرد آمریکا پس از ناکامی در تحقق اهداف مورد نظر خود در عرصه میدانی است. هنگامی که اهداف اعلام‌شده از مسیر تقابل مستقیم محقق نمی‌شود، تلاش برای تحمیل هزینه‌های اقتصادی و روانی بر مردم، جایگزین موفقیت‌های نظامی می‌شود. این همان راهبرد جنگ فرسایشی است که با هدف افزایش فشار بر کشور هدف و ایجاد اختلال در روند عادی زندگی مردم دنبال می‌شود.

با این حال، تجربه نشان داده است که ملت ایران در برابر چنین فشارهایی نه‌تنها عقب‌نشینی نکرده، بلکه با انسجام بیشتر از حقوق و منافع ملی خود دفاع کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز بارها نشان داده که در برابر هر اقدام خصمانه، با در نظر گرفتن مصالح ملی و در زمان و مکان مقتضی، پاسخ متناسب و بازدارنده خواهد داد. این رویکرد نه از سر ماجراجویی، بلکه در راستای تثبیت اصل بازدارندگی و جلوگیری از تکرار چنین تجاوزاتی است.

خبر

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با «ایرنا»:

مذاکره‌کنندگان ما سرداران میدان دیپلماسی هستند

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر پیوستگی میان میدان جنگ و میز مذاکره، دیپلمات‌های کشور را سردارانی در حال جنگ در جبهه دیپلماسی توصیف کرد و گفت: «افرادی چون عراقچی یا قالیباف به‌رغم اینکه می‌دانند عده‌ای در کشور به آنها بد و بیراه می‌گویند، مانند سرباز تحت امر رهبر انقلاب در حال انجام وظیفه هستند؛ من به آنها غبطه می‌خورم؛ این افراد خیلی بزرگواری می‌کنند و کار استشهادی انجام می‌دهند.»

به گزارش ایرنا، محمدرضا باهنر در گفت‌وگو با «ایرنا» پیرامون ضرورت اعمال نگاه «واقع‌گرایانه» بر مسائل مرتبط با جنگ و در بیان نوع مواجهه کشور با عهدشکنی آمریکا و آغاز دور جدیدی از جنگ، گفت: «تکلیف ما از نظر ساختار داخلی خودمان روشن است. یک ضلع امکانات ما نیروهای مسلح هستند و به تعبیر استراتژی نظامی بسیاری از کشورها، نیروی مسلح باید فرض بگیرند که همین امشب حمله می‌شود، بنابراین اصطلاحاً باید «همیشه دست به ماشه باشند». ضلع دیگر دیپلمات‌ها هستند و موظف هستند که گفت‌وگوها را ادامه دهند و ضلع سوم نیز مردمی هستند که در میدان همدل و هماهنگ با نیروهای لبه جلویی منطقه نبرد، هستند.»

رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری با اذعان به بی اعتمادی مطلق به دشمن و اثبات عدم تعهد آن در ادوار مختلف از جمله در یک سال اخیر، اظهار کرد: «بنابراین دیگر بر اساس تجربه، به نیروهای خصم به هیچ وجه اعتمادی نداریم و از طرفی هم تاریخ نشان می‌دهد، بالاخره هیچ جنگی تا ابد ادامه پیدا نمی‌کند و در نهایت تبدیل به آتش‌بس و ترک مخاصمه می‌شود. آمریکا هنوز امیدهایی دارد که بتوانند ایران را به زانو دربیاورند اما باید وادارش کنیم که به سازوکارهای بین‌المللی بازگردد.»

وی گفت: «مردم همراه نظام هستند و نیروهای مسلح و دیپلمات‌ها نیز هرکدام به وظایف خود عمل می‌کنند و برای هر دو سناریوی پیش رو آمادگی کامل داریم؛ هم برای مقابله با دشمن در یک جنگ تمام عیار آماده هستیم، هم آماده‌ایم هر زمانی که دشمن پشیمان شود و دست از تخاصم و عهدشکنی بردارد، ما نیز به قول‌هایی که داده‌ایم، وفا کنیم.»

باهنر در ادامه با تأیید اینکه برخی مخالفت‌ها با نفس مذاکره ناشی از فقدان نگاه واقع‌بینانه به مسائل و روابط بین‌الملل و به تعبیر او سیر کردن در ابرها است؛ درباره برخی حاشیه‌سازی‌هایی که به بهانه مخالفت با مذاکره علیه سربازان عرصه دیپلماسی انجام شده است، گفت: «واقعیت این است که یکی از ترفندهای دشمن، ایجاد شکاف بین صفوف ملت است. مخالفت با مذاکره ممکن است تحلیل شخصی باشد یا هر چیز دیگری باشد اما حرف من این است که باید از کشور ایران، حاکمیت و مردم آن صدای واحد به بیرون برسد.»

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۰۴/۲۷
مزایده عمومی
دانشگاه علوم پزشکی ارتش در نظر دارد تابلو تبلیغات (بیلبورد) دانشگاه، واقع در اتوبان چمران بعد از خیابان فاطمی غربی را در قالب عقد قرارداد اجاره یک‌ساله از طریق مزایده عمومی واگذار نماید. لذا از متقاضیان فعال در این زمینه دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ به مدیریت آماد و پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی ارتش مراجعه نمایند.
آدرس: خیابان فاطمی غربی، خیابان اعتمادزاده، دانشگاه علوم پزشکی ارتش
شماره تماس: ۸۸۳۳۵۷۷۴

پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
ایران
۱۸۷۷

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت اول

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خرید و نصب قفسه بندی مخزن موزه ملت مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد را (طبق اسناد مناقصه)، به‌شماره ثبت سامانه ۲۰۰۵۰۰۳۰۶۸۰۰۰۰۰۹ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لذا ضروری است متقاضیان شرکت در فراخوان درصورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به‌عمل آورند.

۱- شرح کلی موضوع مناقصه: خرید و نصب قفسه‌بندی مخزن موزه ملت مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد.

۲- شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه:

۱-۲ تمامی تجهیزات می‌بایست توسط پیمانکار و با حضور نماینده کارفرما (ناظر)، اصالت سنجی شده و پیمانکار موظف است برای تمامی تجهیزات موضوع مناقصه گواهی اصالت صادر شده توسط شرکت سازنده را درصورت درخواست نماینده کارفرما (ناظر)، بدون قید و شرط ارائه نماید.

۲-۲ کلیه تجهیزات باید اصل (Brand New)، (original) دست اول و به‌صورت Retail Pack و دارای گارانتی اصلی به مدت حداقل سه سال باشد. تمامی تجهیزات می‌بایست در حضور نماینده کارفرما (ناظر) unpack و نصب گردد، لازم به ذکر است تجهیزات باید دارای گارانتی از کمپانی سازنده بوده و کارفرما (وزارتخانه) از پذیرش تجهیزات غیر اصل، دست دوم و بازسازی شده و تولید شده از سازندگان طرف دوم و سوم معذور می‌باشد و درهرزمان اثبات گردد که قطعات و تجهیزات موضوع مناقصه غیراصلی بوده، پیمانکار متعهد می‌گردد نسبت به جایگزین قطعه موردنظر با نظر کارفرما اقدام نماید. در هر زمان از دوره اجرای موضوع مناقصه،گارانتی یا پشتیبانی مشخص گردد که خلاف این بند، توسط پیمانکار انجام شده است، پیمانکار موظف است علاوه بر رفع نواقص و کمبودها، کلیه خساراتی که به کارفرما وارد آمده است را بنا به تشخیص کارفرما جبران نماید و بابت جریمه تأخیر در انجام تعهدات عمل خواهد شد.

۲-۳ اصل بودن و مابقی موارد مندرج در بند فوق بوسیله آزمون‌ها و سایر امکانات بنا به صلاحدید کارفرما بررسی خواهد شد. معیار و ملاک راستی آزمایی صحت تجهیزات، نظر کارشناسان کارفرما و ناظر خواهد بود. همچنین پیمانکار موظف است کلیه اسناد مربوطه که جهت اصالت سنجی و پارت نامبر مورد نیاز کارفرما باشد، ارائه نماید.

۲-۴ کارفرما از پذیرش تجهیزات غیراصل، دست دوم و بازسازی شده و تولید شده از سازندگان طرف دوم و سوم معذور می‌باشد و درهرزمان اثبات گردد که قطعات و تجهیزات موضوع مناقصه غیراصلی بوده، پیمانکار متعهد می‌گردد نسبت به جایگزینی قطعه موردنظر با نظر کارفرما اقدام نماید.

۲-۵ پیمانکار تضمین می‌نماید پس از فروش و تحویل، اقلام موضوع مناقصه را به مدت حداقل ۳سال گارانتی و ۱۰سال خدمات پس از فروش ارائه نماید.

۲-۶ پیمانکار موظف است تمامی تجهیزات و ملزومات موضوع مناقصه را عیناً مطابق لیست تجهیزات مندرج در اسناد مناقصه به کارفرما تحویل و نصب نماید.

۲-۷ پیمانکار موظف است طراحی و ساخت و نصب قفسه‌ها را مطابق با طرح‌های مندرج در اسناد مناقصه و با نظر کارفرما و یا نماینده ایشان انجام دهد.

۲-۸ کلیه هزینه‌های ایاب و ذهاب و ارسال کالا و تجهیزات بر عهده پیمانکار می‌باشد.

۳- نوع و مبلغ تضمین (سپرده) شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانت‌نامه بانکی معادل ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به نفع وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با حداقل مدت اعتبار پیشنهاد قیمت (۳ ماه از تاریخ بازگشایی با قابلیت تمدید مجدد) و یا اصل فیش واریز نقدی به‌حساب شماره ۴۰۰۱۰۲۶۲۰۶۳۷۲۶۸۸ خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌نام تمرکز وجوه سپرده وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با شناسه واریز ۹۷۷۱۱۳۷۰۰۱۱۴۰۰۳۸۵۱۹۴۸۰۶۶۳۷۲۶۸۸ و شماره شبا (IR۰۲۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۲۶۲۰۶۳۷۲۶۸۸)، قابل واریز در شعب بانک ملی که می‌بایست ضمن قراردادن تصویر فیش یا ضمانت‌نامه در سامانه ستاد، اصل آن نیز در پاکت دربسته (الف) به دبیرخانه مرکزی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به نشانی تهران خیابان آزادی تقاطع بزرگراه یادگار امام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ساختمان اداری شماره ۲ طبقه همکف، طبق مهلت مقرر تحویل گردد.

۴- تأمین اعتبار مورد نیاز از محل تخصیص نقدی طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۴۰۴ وزارتخانه با شماره طبقه بندی ۱۲۸۰۴۸۹۶۰۰۱۴ با عنوان "تکمیل، تجهیز، ایجاد سیستم‌های حفاظتی و ساخت مخازن امن موزه‌ها و کاخ‌موزه‌ها" می‌باشد.

۵- مواعد زمانی:

- **تاریخ انتشار فراخوان در سامانه:** ساعت ۰۸/۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷
- **مهلت دریافت اسناد فراخوان از سامانه:** تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵
- **مهلت ارسال پیشنهاد:** تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹
- **زمان بازگشایی پاکت‌ها:** ساعت ۱۱/۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

۶- بازدید از محل با هماهنگی قبلی با دفتر مدیریت مجموعه فرهنگی تاریخی و در دست داشتن یک نسخه اسناد مناقصه بلا مانع است.

- **نشانی:** تهران - خیابان ولیعصر- خیابان شهید فلاحی- انتهای خیابان شهید طاهری- مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد
- **تلفن هماهنگی و پاسخگویی به سؤالات فنی:** ۲۲۷۵۲۰۳۱
- **تلفن هماهنگی و پاسخگویی درخصوص اسناد مناقصه:** ۶۱۰۶۳۳۲۳ (اداره ناظر بر امور فنی و قراردادها- اداره کل پشتیبانی ورفاه)

۷- نشانی دستگاه مناقصه‌گزار جهت تحویل فیزیکی پاکت الف: تهران - خیابان آزادی- تقاطع بزرگراه یادگار امام(ره) - وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ساختمان اداری شماره ۲ - طبقه همکف - دبیرخانه مرکزی.

کمیسیون مناقصات وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

م الف ۱۲۱۴- شناسه ۲۲۲۸۸۷۲